

در فجاج طبیعی از زنان قربانی صرف نسازیم

Photo:/medn.me/yef4kr

بخشی از ادبیات رسانه‌ها، زنان را در کنار کودکان و سالمندان و افراد کم‌توان به عنوان قربانیان فجاج طبیعی معرفی می‌کنند. این نگرش به جایگاه فرودست زنان دامن می‌زند.

در هنگام فجاج طبیعی مثل زلزله و سیل زنان در هر سن و سال و با هر سطح از توانایی جسمی، اجتماعی و اقتصادی در کنار کودکان، سالمندان و افراد کم‌توان، به‌عنوان جمعیت آسیب‌پذیر شناخته می‌شوند و نقشی بیش از قربانی نصیب آن‌ها نمی‌شود. وقتی زلزله یا سیل اتفاق می‌افتد، عموماً تصاویر زانی منتشر می‌شود که در حال ضجه زدن و مویه کردن هستند و یا بر خانمانی ویران‌شده می‌گریند. چنین تصاویری اگرچه ممکن است همدردی عمومی با مصیبت دیدگان را برانگیزد اما به‌طور کلی، آسیب‌پذیری اجتماعی و فرهنگی زنان را بیشتر می‌کند و به تصویر زن توانمند مستقل که در دو قرن اخیر برای شکل‌گرفتنش تلاش‌های بسیار شده است ضربه می‌زند.

اغلب این واقعیت نادیده گرفته می‌شود که همه زنان آسیب‌پذیر نیستند و آنچه زنان را در میان گروه‌های آسیب‌پذیر قرار می‌دهد، نقش مادری آن‌هاست. بدیهی است که زنانی که باردار هستند به لحاظ جسمی آسیب‌پذیر هستند و نیازمند مراقبت‌های جدی و اختصاصی‌اند؛ یا زنانی که فرزندان کوچک دارند برای مراقبت از کودکانشان با سختی و دشواری مواجه هستند، اما این وضعیت آسیب‌پذیری قابل‌تعمیم به همه زنان نیست.

تعمیم نقش قربانی آسیب‌پذیر به همه زنان، باعث به حاشیه رانده شدن آن‌ها و تقویت انگاره‌های مردسالارانه می‌شود. قربانی پنداری زنان، مانع از شناسایی ظرفیت‌ها و توانایی‌های زنان در پیشگیری و مدیریت بحران در سطح ملی و محلی می‌شود. عدم حضور زنان در صحنه‌های مدیریت و تصمیم‌گیری در مواقع بحران موجب نادیده گرفته شدن نظرات آن‌ها و نیز نیازهای مبتنی بر جنس در نیازسنجی‌ها و ارزیابی‌ها و خطرات و پیامدها می‌شود و به‌این‌ترتیب زنان خواه‌ناخواه به درجه دوم اهمیت رانده می‌شود.

وقتی زنان به‌طور کلی برچسب آسیب‌پذیر می‌خورند و به حاشیه رانده می‌شوند، آسیب‌پذیری واقعی آن‌ها هم ممکن است به‌درستی شناخته نشود و در مجموع محافظت و حمایت اجتماعی مؤثری دریافت نکنند. مثلاً تجربیات جهانی در فجاج طبیعی نشان می‌دهد که آنچه به زنان در هنگام فجاج طبیعی آسیب می‌زند، افزایش خشونت‌های جسمی و جنسی است. در واقع در هنگام فجاج طبیعی زنان بیش از وضعیت عادی، از فقدان حمایت اجتماعی در مقابل خشونت‌های جسمی و جنسی رنج می‌برند. همچنین نیازهای بهداشتی خاص، همچون مراقبت‌های بارداری، پیشگیری از بارداری ناخواسته، و مشکلات دوره قاعدگی از جمله مسائلی هستند که ممکن است کمتر جدی گرفته شوند.

برای آنکه فجاج طبیعی در زمینه نابرابری جنسیتی منجر به تثبیت و تقویت فرودستی زنان نشود، لازم است رویکرد مبتنی بر جنسیت تغییر کند و به سمت برابری جنسیتی میل کند. از طرفی ضروری است زنان در برنامه‌های پیشگیری، تصمیم‌گیری و مدیریت در سطوح ملی و محلی مشارکت کنند و از طرفی لازم است نیازهای مبتنی بر جنس هم برای زنان و هم مردان در نظر گرفته شوند.

در هنگام فجاج طبیعی بنا بر تجربیات جهانی، باید امداد رسانی صرفاً مردانه تعدیل شود و در تیم‌های امداد و نجات، پرسنل زن به‌اندازه پرسنل مرد یا به‌قدر کفایت حضور داشته باشند تا زنان مناطق فاجعه دیده به‌خصوص زنان روستایی بتوانند، به دور از شرم و ملاحظات فرهنگی از خدمات ارائه‌شده استفاده کنند. حضور زنان امدادگر، روانشناس، مددکار، پرستار و پزشک و مهندس و ... هم به تسهیل امداد و خدمت‌رسانی به فاجعه‌دیدگان کمک می‌کند و هم تصویری توانمند از زن در اذهان جامعه محلی و دختران جوان حک می‌کند.

در جوامعی که در انزوای فرهنگی نسبی هستند، لازم است علاوه بر آنکه ارتباط از طریق نیروهای امدادی محلی برقرار شود، نیازسنجی نیز بر اساس نظرات و اظهارات زنان مناطق آسیب‌دیده انجام شود تا نیازهای واقعی زنان و کسانی که تحت مراقبت آن‌ها هستند (کودکان و افراد کم‌توان و ناتوان) شناسایی شود. علاوه بر این، از توانایی‌های زنان محلی در مدیریت منابع و توزیع امکانات استفاده شود و به مشارکت آن‌ها در هنگام بازسازی و ترمیم ویرانی‌ها به‌عنوان یک منبع و فرصت نگریسته شود.

سخن آخر اینکه زنان واقعاً آسیب‌پذیر شامل زنان باردار، زنان با فرزندان کوچک و زنان کم‌توان و نیز زنان تنها را دریابیم، اما از تعمیم نقش قربانی صرف به همه زنان بپرهیزیم، تا فجاج طبیعی در زمینه نابرابری‌های اجتماعی به فرودستی بیش‌ازپیش زنان نینجامد.